

Investigating the Causes of the Transformation of Religious Thought From the Concept of Polytheism to the Unity of Existence by Relying on Hindu Texts

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Mohammad Mahmoudi*

How to cite this article

Mohammad Mahmoudi,
Investigating the Causes of the Transformation of Religious Thought From the Concept of Polytheism to the Unity of Existence by Relying on Hindu Texts, *Islamic Life Style*. 2023; 7:394-400.

1. Assistant Professor, Department of Philosophy, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: m_mahmoudi@pnu.ac.ir

Article History

Received: 2023/03/31
Accepted: 2023/06/03

ABSTRACT

The purpose of this research is to investigate the evolution of the concept of God in Hinduism, considering the impact of different circumstances. The selection of these texts was because; In them, the course of human thought is clearly visible because it is the result of the intellectual efforts of many people over a long period of time and under various conditions. In the first category of these texts, namely the four Vedas, the most important of which is the Rig Veda, many gods are mentioned, which mostly represent natural phenomena. The evolution that occurred at the end of the Rig Veda; Belief in single and abstract gods such as Prajapati and Vishwakarman, which were previously used as attributes for gods. Although this process of abstracting the gods did not continue in the Brahmins, it had a significant impact on the prominence of the concept of sacrifice and its transformation in the Arnikas and the Upanishads. In fact, the internalization of the victim is the result of preferring meditation, concentration, austerity, and self-restraint, and previous long and boring rites and rituals. In these texts, the way to reach the truth and its real worship is not actions, but the right way, removing impurities and It is the elimination of wrong thoughts and illusions. Such thoughts reach their peak in the Upanishads, especially the Rig Veda. In the Upanishads, the absolute truth is Brahman, which includes its unattainable and indescribable duality (Nirguna) and the other Saguna. or the tangible aspect of who you are in its totality.

Keywords: God, Unity of Existence, Shruti Texts, Hinduism, Upanishad, Arnika, Brahmana, Samhitas.

بررسی علل تحول اندیشه ی دینی از مفهوم چند خدایی به وحدت وجود با تکیه بر متون هندوئیسم

محمد محمودی

استادیار، گروه فلسفه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تحول مفهوم خدا در نزد هندوئیسم، با توجه به تاثیر شرایط و اوضاع مختلف است. انتخاب این متون از این جهت بوده است که؛ در آنها سیر اندیشه انسانی به وضوح نمایان است زیرا نتیجه کوشش فکری انسان های بسیار در زمان طولانی و شرایط گوناگون است. در اولین دسته از این متون، یعنی وداهای چهارگانه که مهمترین آنها ریگ ودا است؛ از خدایان بسیاری سخن رفته است که بیشتر نمایانگر پدیده های طبیعی هستند. تحولی که در پایان ریگ ودا رخ داده است؛ باور به خدایان مجرد و انتزاعی مانند پرچاپتی () و ویشوه کرمن () است که پیشتر به عنوان صفاتی برای خدایان به کار می رفتند. این روند انتزاعی شدن خدایان اگرچه در براهمنه ها () ادامه نیافت اما در برجسته شدن مفهوم قربانی و تحول آن در آرنیکه ها () و اوپانیشادها () تاثیر بسزایی داشت. در واقع درونی شدن قربانی نتیجه ترجیح دادن مراقبه، تمرکز، ریاضت و حبس نفس و شعائر و آداب طولانی و ملال آور پیشین است. در این متون راه دست یافتن به حقیقت و پرستش واقعی آن، نه اعمال که شیوه درست، زدودن ناخالصی ها و برطرف کردن افکار ناصواب و اوهام است. چنین افکاری در اوپانیشادها به ویژه ریگ ودا می باشند به اوج خود می رسد. در اوپانیشادها حقیقت مطلق، برهمن است که شامل دوجنبه دست نیافتنی و توصیف ناپذیر آن (نیرگونا) () و دیگری ساگونا () یا جنبه ملموس آن که هستی در کلیت آن است.

واژگان کلیدی: خدا، وحدت وجود، متون شروتی، هندوئیسم، اوپانیشاد، آرنیکه، براهمنه، سامهیتاها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

*نویسنده مسئول m_mahmoudi@pnu.ac.ir

مقدمه

کاروان آدمیان که از گذشته های بسیار به راه افتاده و به سوی آینده ای مبهم و نامشخص در حرکت است سرد و گرم فراوان چشیده و گرچه اندکی را به یاد می آورد، حوادث و تجربیات بسیاری را از سر گذرانده است. انسان را در مانده دیروز می دانست که چگونه حیات و هستیش و مرگ و نیستیش منوط به لطف و قهر طبیعت است. و از سوی دیگر به اقتضای طبیعت پرسشگر و دیر باوری انسانیش حق داشت که به اطراف خود بنگرد و درباره منشأ هستی و چگونگی حوادث و پدیده های طبیعی از خود بپرسد، سوالاتی که ناخواسته در صفحه ذهن و ضمیر هر انسانی نقش می بندد و اگر انسان به آنها روی خوش نشان دهد، تمام فکر و اندیشه او را در چنبره ی خود می گیرد. پرسشهایی مشکل از این قبیل که: جهان کی و چگونه شکل گرفته است؟ انتهای آسمان کجاست؟ خانه خورشید که شب ها را در آن به سر می آورد در کدام سوی است؟ تکه پاره های درخشان که بر صفحه سیاه آسمان چسبیده اند، رمز و نشانه چه چیزی هستند و از چه خبر می دهند؟ تکیه گاه زمین چیست؟ ابرها را چه کسی در آسمان به حرکت وا می دارد؟ و حال انسان پس از مرگ چگونه است؟ احساس و اندیشه دینی انسان تا حد زیادی ثمره عجز و نیاز او و همچنین حیرت و ناآگاهی اوست. بسیاری از اسطوره ها که جزء متون دینی هم هستند، نتیجه (تفکر جمعی) گذشتگان و حاصل حیرت آنها در برابر اسرار و رموز هستی است.

همه اعمال، رفتار و عقاید انسان ها که متصف به صفت دینی هستند منبعت از برداشت و تصویری است که آنها از مفهوم خدا دارند. عوامل بسیاری باعث تغییر و تحول مفهوم خدا در نزد انسان ها می شود که یکی از مهمترین آنها شرایط زیست و محیط اجتماعی آنها است اگرچه انسان ها هر یک ساختار روانی و ژنتیکی متفاوتی دارند اما (حقایق دینی، بیشتر اجتماعی اند تا روانشناختی). بنابراین محیط اجتماعی که افراد در آن زندگی می کنند و الزامات زندگی در شرایط و اوضاع متفاوت در اندیشه دینی آنها و تصورشان از خدا نقش و تاثیر بسزایی دارد.

هندوئیسم دینی است که برخلاف ادیان دیگر بنیانگذار معینی ندارد. اصول اعتقادی خاص و اعمال جزئی و دقیق را الزام نمی کند و همچنین متون آن که مجموعه ای از عقاید و باورهای مختلف و متنوع است طی زمان های طولانی به وسیله افراد مختلف در شرایط متفاوتی شکل گرفته است به سبب همین ویژگی هاست که این دین به ویژه متون شروتی (ودائی) آن یکی از مناسب ترین موارد برای بررسی تحول مفهوم خداست.

متون دینی هندوئیسم:

متون دینی هندوئیسم را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: شروت^۱ سمیرتی^۱ بر اساس روایات سنتی، متون شروتی (دربدارنده حقایق ابدی است که ریشی ها یا دانایان و عارفان گذشته آنها را از آسمان شنیده اند و در سینی خود ضبط و ثبت نموده اند تا سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل گردد). (۱) بنابر عقیده هندوها، شروتی ها در زمانی نامعلوم و شاید در آغاز آفرینش و حکیمان و

² smrti

¹ sruti

کاهنان همانند دستورالعملی برای اجرای مراسم قربانی از آنها استفاده می کنند. (۷) به عبارتی دیگر این متون جزء کرمه کاند^۴ هستند که نجات و رستگاری را در انجام پاره ای اعمال، شعائر و عبادات می دانند.

۳- آرنیکه ها

پرداختن بیش از حد به شعائر و بها دادن به آداب و مراسم ظاهری، نوعی دلزدگی را موجب شد که نتیجه آن دنیا گریزی، ریاضت پیشگی و روی آوردن به تفکرات فلسفی و مضامین عرفانی بود بنابراین آنها که دغدغه دینی و حقیقت جویی داشتند به اندیشیدن در معنا و مفهوم خدایان پرداختند، زهد پیشه کردند و به مراقبه و تأمل روی آوردند تا به این طریق رضایت خاطر فراموش آورند و آرامشی را که در آداب صوری قربانی نیافته بودند، به شیوه ای دیگر بیابند. این افراد به عنوان شرمن ها^۸ نامیده می شدند؛ (۸) آرنیکه یا کتاب جنگل حاصل اندیشه ورزی این گروه است. آرنیکه ها از ملحقات براهمنه ها هستند و آنها را در حلقه واسطه بین براهمنه ها و اوپانشادها دانسته اند.

۴- اوپانشادها:

در این متون برای اولین بار ارزش و قدرت اندیشه مورد تأکید قرار می گیرد، (۲) اوپانشادها راهنمای سیر و سلوک نفسانی هستند که به مدد آن روح فردی راهی تا پیوستن به حقیقت مطلق می پیماید؛ حقیقتی که درون خود ما است. در این متون، تبیین حقیقتی که ساری و جاری در همه پدیده های جهان است، جایگزین سرود ستایش خدایان و خدا بانوان شده است و مشخصه اصلی آنها گذر از عین به ذهن و عبور از اندیشه در جهان خارج به تعامل درون است. (۸)

طبقه بندی خدایان ودائی:

پاکشاه^۷ نویسنده رساله نیروکتا^۷ خدایان ودائیرا بر اساس جایگاه آنها در نظام هستی و منطقه تحت نفوذ آنها در کیهان طبقه بندی کرده است، طبقه بندی او به صورت زیر است:

- ۱- خدایانی که منزلگاه ایشان در زمین است (پریتهو یستنهانه):^۸ مانند آگنی، سوما، سرسوتی و پریتهو.
- ۲- خدایانی که جایگاهش در جو یا فضای میانه می باشد (مدهیم ستهانه)^۹ یا انتریکشستهانه^{۱۰} مانند ایندرا، آپام نپات، رودرا، وایو، برجینا، آبه، ماروترویشون و ماروتها
- ۳- خدایانی که در آسمان مستقرند (دیوس تهانه)^{۱۱} مانند: دیاوس، پوشان، ورونا، میترا، سوریا، ویشنو، آدیتیه ها، اوشس، دواشوین و آدیتی. (۹) از بین خدایان، آگنی مهم ترین خدای زمین، ایندرا مهم ترین خدای فضای میانه و سوریا مهم ترین خدای آسمانی است به نوعی می توان گفت که این تثلیث جامع و دربردارنده بقیه خدایان است به این سه خدا تقریباً همه صفاتی را که بر خدایان دیگری نسبت داده شده، دارند.

حی شده است. آنها را سروده های انسانی نمی دانند (۲) بلکه اپوروشیا یعنی چیزی که بر ساخته انسانی نیست، (وحیانی، الوهی، منزل) می پندارند. (۳) همین ویژگی است که اعتبار و مرجعیتی خاص و گسترده به این متون می بخشد و آنها را از متون سمیرتی جدا می کند. سمیرتی آثار به جا مانده از حکما و اندیشمندان دینی است که در طول زمان و برای توضیح و تشریح شروتی ها به وجود آمده اند و برخلاف شروتی ها (مبدا انسانی دارند). (۴)

شروتی ها به چهار گروه تقسیم می شوند. سامهیتها یا مجموعه آیات که شامل وداهای چهارگانه: یعنی ریگ ودا ها، ساماودا، یاجورودا و اتهروه ودا می باشد به علاوه براهمنه ها، آرنیکه ها یا رساله های جنگل و اوپانشادها. (۲) به اعتقاد عده ای، وداها یا متون ودائی دو بخش اصلی سامهیتها (مجموعه منتره ها و سرودها) و براهمنه ها (مجموعه مشتمل بر توصیف و تبیین آداب شاعری مبتنی بر سامهیتها) را شامل می شود و اوپانشادها هم بخشی در بردارنده تعاملات عرفانی است که از الحاقات براهمنه ها و بنابراین جزوه متون سمیرتی است. (۵)

به عقیده الیاده اصطلاح ودا به هیچ کتاب واحدی یا حتی به چهار کتاب (ریگ، ساما، یاجور و اتهروه) دلالت نمی کند بلکه متون گسترده و گوناگونی است، شامل: سامهیتها، براهمنه ها، آرنیکه ها، اوپانشادها، سوتره ها و ودانگاها که چهار گروه اول جزء اپوروشیا هستند، اما سوتره ها و ودانگاها اپوروشیا نیستند. طبق نظر دیگری، هر یک از ودا های چهارگانه به دو گروه سامهیتها یعنی سرودها و براهمنه ها که تفاسیر آنها می باشند، تقسیم می شوند. (۴)

۱- ودا های چهارگانه

ودا در لغت از ریشه وید^۱ به معنای دانستن است پس ودا یعنی دانش، اما دانش مسموع، سخن حکیمانه و بیان اسرار و رموز هستی و آفرینش که حکیمان الهی در زمانی نامعلوم - شاید آغاز آفرینش- از آفریننده و هستی بخش شنیده اند و آن را به معتقدان بازگو کردند. (۵) وداها در نظر هندوان جایگاه ویژه ای دارند؛ هندوان آنها را کلام آسمانی می پندارند و بر جنبه گفتاری و شنیداری آن تأکید فراوان دارند، بر همین اساس تا مدت ها صورت مکتوب را در شان آنها نمی دانستند و عقیده داشتند که تکرار آنها موجب هماهنگ ساختن عناصر مختلف وجود و ایجاد ارتعاشی است که طنینشان در سراسر حالات و مقامات هستی که سلسله مراتبشان محدود است، موجب برقراری ارتباط با حالات برتر وجود می شود.^{۱۱} (۶) وداهای چهارگانه عبارت است از: ۱- ریگ ودا ۲- ساماودا ۳- یاجور ودا ۴- اتهروه ودا می باشد.

۲- براهمنه ها

براهمنه ها را قدیمی ترین متون منثور سانسکریت هستند (۳) مشتمل بر قواعد و توضیحاتی درباره شعائر و مراسم قربانی که

⁷ nirukta

⁸ prithivisthana

⁹ madhyamasthana

¹⁰ anatarsasthana

¹¹ dyusthana

¹ aqauruseya

² samhita

³ vid

⁴ Karma kanda

⁵ sarmanas

⁶ yaksa

اما ویژگی های فیزیکی آنها به گونه ای است که در بسیاری از موارد می توانیم آنها را "متشخص" به نامیم. به این معنا که ما می توانیم بگوییم هر خدایی از نظر ساختار فیزیکی متمایز و متفاوت از دیگر خدایان شده است و از این نظر تفاوت بین خدایان آشکار است؛ مثلاً "ايندرا به هيئت شاه آريايي جنگجو با پوستي زرین سوار بر اسب با ارابه ای طلایی که دو اسب کهر با یال و دم آویخته و افشان او را می کشند، تصویر شده است. (۱۳) آگنی همچون یک کاهن است. خورشید بازوهایی دارد که همان اشعه های او هستند و زبان و جوارح آگنی شعله های او است. (۹) ورونا آسمانی است بی کران و دست نیافتنی ولی این موضوع درباره ی همه ی خدایان صدق نمی کند.

درباره ویژگی های فیزیکی پرچاپتی، ویشوه کرم، داکشه، بهگه و ... چیزی گفته نشده است. این اتفاقی است که در آخر ریگ ودا رخ می دهد و احتمالاً به معنی آغاز گذار از خدایان متشخص به خدایان مجرد یا انتزاعی است که در مطالب بعدی اهمیت بیشتری می یابد.

مفهوم خدا در براهمنه ها

موضوع اصلی که در براهمنه های خالص به آن می پردازند، قربانی است. در این زمان عمل قربانی و شعائر و آداب مربوط به آن جایگاه خاصی می یابد و در نتیجه آن مفهوم خدایان دچار تغییراتی می شود و موقعیت پیشین آنها کاستی می یابد و خویشکاری و توان آنها مشروط و محدود می گردد. اطلاعات دقیق و منسجم درباره عمل قربانی، قبل از براهمنه ها کم است. اما از براهمنه می توان دریافت که مولفین آنها مدعی بازسازی آگاهانه عمل قربانی در یک سیستم شعائری هستند. (۳) بنابراین می توان رواج قربانی قبل از براهمنه را مسلم انگاشت. حداقل درباره سومه و مراسم مربوط به آن تردیدی وجود ندارد، از آن گذشته آگنی هم که واسطه بین خدایان و انسان بود، نذورات انسانی و قربانی را به خدایان منتقل می کرد. از همه مهمتر اینکه در ریگ ودا پیدایش قربانی حاصل قربانی شدن پوروشه است. در آنجا ذکر شده است که خدایان، پوروشه- انسان برتر یا نخستین- را به عنوان قربانی تقدیم می کند؛ و از این قربانی بزرگ؛ جو، آسمان، زمین، همه موجودات و همچنین کاست ها پدید آمدند. (۲) اما در براهمنه ها قربانی و شعائر مربوط به آن رنگ و شکل دیگری به خود می گیرد و تقریباً همان جایگاهی را می یابد که پیش از این منتره ها به عنوان کلمات ازلی داشتند. در هیچ جا ذکر نشده است که خدا یا موجودی متعال این دستورات را داده و یا آنها را به انسان وحی کرده است بلکه طبق براهمنه ها این دستورات حقایق ازلی و ابدی هستند که خود را بر انسان ها آشکار کرده و از انسانها خواسته اند، آنها را اجرا کنند. (۲)

انسان ها و خدایانی که برای نخستین بار شعائر را اجرا کرده اند، آنها را " دیده اند" آنها وحی و الهاماتی نیستند که به یکباره روی داده باشند بلکه عبارتند از یکسری حقایق متوالی و مستمر. (۱۴) اگر در سامهیتاها قربانی کردن برای طلب شفاعت و جلب رضایت خدایان بود؛ در براهمنه ها این کار خود، هدف است که حتی خدایان برای برآورده شدن مطلوب خود به آن نیازمندند. (۸) آگنی

۴- "کیت" عقیده دارد این نحوه تقسیم بندی احیاناً زیر تاثیر سرود ۱۵۸ از مندله ی دهم است و اضافه می کند؛ تقسیم بندی فوق صورت ثابت ندارد چرا که بعضی خدایان در هر سه قلمرو زمین و آسمان و فضای میان جای دارند، مثل "پریتوی" و "شوشتر" بعضی در دو قلمرو، مثل "آگنی" و "اوشس" که در فضا و زمین هستند و نیز "ورونه" و "یمه" که در فضا آسمان هر دو جای دارند. (۱۰)

اما ژرژدومزیل خدایان را بر اساس کارکرد های گوناگون اجتماعی طبقه بندی کرده است؛ طبقه بندی او که به ایدئولوژی سه بخشی مشهور است، ناظر به "کاست" یا طبقات سه گانه هندوها یعنی برهمنان، کشتیه ها، ویسه ها می باشد. او خدایان را به سه گروه خدایان فرمانروایی که مهمترین آنها میتره-ورونه است، خدایان جنگاوری که مهمترین آنها ایندرا است و خدایان برزیگری و کشت ورزی که مهمترین آنها دوقلوی شفا بخش اشوین ها یا ناستیه ها است، تقسیم بندی کرده است. اشون ها؛ شفا بخش، بخشنده ی نعمت و فراهم کننده انواع سوده های مادی هستند (۱۱) و همانطور که ملاحظه می شود، برخلاف دومزیل، پاکشا، اشوین ها را در گروه خدایان آسمانی قرار داد است.

خدایان و پدیده های طبیعی

آیا خدایان خود مظاهر طبیعی هستند؟ نیروهای نهفته در آنها هستند؟ یا حقیقت متعالی پشت یک پدیده ها است که این پدیده ها نماد و تجلی او می باشد؟ به نظر می رسد که خدا عبارت است از قدرت تاثیر گذاری یکی از مظاهر و پدیده های طبیعی در زندگی انسان، که نوع و اهمیت خدایان بستگی فراوانی به نوع زندگی و نیاز انسانها دارد. در مراحل ابتدایی مهمترین خدا، خدایی است که ؛ بیشترین تاثیر را در زندگی انسان داشته باشد و اقوام آریایی که مردمان دامدار و کشاورز بودند به خوبی می دانستند که رفاه و خوشبختی آنها شرایط و اوضاع طبیعی است. آنها به خوبی شرایط گرما، سرما، تابش خورشید، باران، باد و طوفان را به رفاه و آسایش خود می دانستند و این تاثیرات را منتسب به شخصیت نیرو و قدرتی می کردند که در درون آتش، خورشید، ابر، باد و دیگر پدیده های طبیعی وجود دارد. آنها به یک خدای خاص و خدایی که دیگر خدایان راهنمایی و سرپرستی می کند، اعتماد نداشتند. خدایی را ستایش می کرد که از لطف او بهره مند می شدند یا برای سعادت مندی توجهات او بودند. (۱۲) البته این نگرش به مرور زمان و در اثر پیشرفت ذهنی تغییر و تحول یافته است. در مرتبه بعد این نکته مورد نظر است که آنها این خدایان را چگونه توصیف می کردند و چه تصویر ذهنی از آنها داشتند. آیا برای آنها شخصیت مستقلى- مثلاً مانند خدایان یونان- قائل بودند یا نه؟ از توصیفاتى که از این خدایان ارائه شده است، بر می آید که صفات ممیزه خدایان اندک است (۲) و صفتی که در مورد یک خدا آورده می شود، در مورد خدایان متعدد دیگر نیز آورده می شود. علت، شاید اشتراک در تاثیر پدیده های طبیعی باشد که خدایان نیروی نهفته که در آنها هستند. نیروهای طبیعت مانند طوفان، باد و رعد به هم مرتبط اند و خدایانی که به آنها مرتبط اند نیز دارای ویژگی های مشابه اند.

² Anthropomorphic

¹ A.B.kehith

آرنیکه‌ها هم مانند براهمنه‌ها به آداب قربانی می‌پردازند و در واقع "یک تلقی عرفانی از این قربانی هستند و از این جهت تمایز و بخش بندی آشکار و واضحی بین براهمنه‌ها و آرنیکه‌ها نیست".^۸ آن‌ها تفسیر جدیدی از عمل قربانی هستند که قربانی کردن نفس^۱ اراده و تمایلات را بر قربانی کردن اسب^۲ که مهمترین قربانی بود و طی مراسم و آداب طولانی برگزار می‌شد ترجیح می‌دهند چنین است که توجه و تمرکز در درون انسان بیشتر می‌شود و خدایان که عناصر و پدیده‌های طبیعی بودند رنگ می‌بازند.

چنین تغییری علاوه بر این که معلول تمایل انسان‌ها به گریز از تشمت، کثرت، رشد اندیشه و تفکر هندوان است در نتیجه شرایط و محیط جدید زیست آنها است؛ شرایط سکونت در محیطی آرام و خوش آب و هوا که آنها را از جنگ و گریز و کوشش بی‌گیر در محیطی سرد و خشک و خشن بی‌نیاز می‌کرد.

همچنین در نخستین اوپانیشادها نیروها و اعضای مختلف بدن انسان با نیروهای جهانی با موضوعاتی در جهان بیرون یکسان انگاشته شده‌اند؛ سخنش با آتش (آگنی)، نفسش با باد (وایو)، چشمش با روشنایی و خورشید (سوریا) و ... (۱۵) و برای دریافت حقیقت باید آنها را هم که برای شناخت متعارف و دانش بشری مفید هستند قربانی نمود یعنی سکوت اختیار کرد، نفس را حبس نمود، به درون خویش نگرست و به تامل و مراقبه پرداخت.

در چاندوگهی اوپانیشاد^۱، ۳/۱۶ آمده است که: "همین حیواتما را جگ بدن (یعنی انسان را لایق قربانی بدان) برای آن که در قربان سه فرشته است؛ ویشنو (بشن) و ردر و آفتاب (واسو، و ردر و آدیتی) و این سه فرشته در آدم همین پیران است". بنابراین "در عصر اوپانیشادها قربانی کردن امری درونی شد و قربان همان ریاضت بود و ریاضت، قربانی درونی برای آتش (آگنی) خوانده می‌شد".^{۱۶} به این طریق "انسان خود معبدی شد که عابد و معبود همان جسم، روح و نفس او بودند".^{۱۶}

چنین است که در اوپانیشادها از اهمیت و عملکرد خدایان بی‌شمار گذشته کاسته می‌شود و یک وجود نامشخص، غیر قابل وصف و دست‌نیافتنی در راس قرار می‌گیرد؛ وجودی که منشا هستی است و حقیقت وجودی افراد را هم تشکیل می‌دهد و سرانجام سیر و سلوک و هدف عبادت و معرفت، دریافت همسانی نفس فردی با همین حقیقت کیهانی است. پایان سخن اینکه اوپانیشادها با وجود اینکه مهم‌ترین متون دینی، عرفانی و فلسفی هندوان هستند و اعتقاد به شروتی بودن آن‌ها بر اهمیت شان افزوده؛ متونی بسیار نامنسجم و آمیخته‌اند به گونه‌ای که هر نوع باوری را درباره خدا می‌توان در آنها جستجو کرد. اما اوج تعالیم آنها و تاثیرگذارترین آموزه‌هایشان همان اعتقاد به برهمن مطلق، دست‌نیافتنی و نیرگون است که جهان نمود و تجلی است و با آتمن انسان یکی است. اوپانیشادها و وحدت وجود

شعله‌هایی را که اکنون دارد، نداشت و با تقدیم قربانی آنها را به دست آورد. به همین روش ایندرا انرژی خود را افزود و سوریا روشنایی‌اش را. (۵) توشتر هم یک قربانی به جای آورد تا صاحب فرزندی شود و ایندرا را بکشد گرچه یک اشتباه کوچک در خواندن سرودی شرایط را عوض کرد و این قربانی موجب تولد پسری شد که به دست ایندرا کشته شد. (۲)

تحول خدایان در براهمنه‌ها

قربانی کردن و تقدیم نذورات به پیشگاه خدایان برای جلب نظر آنها از زمان‌های دور و در فرهنگ‌های مختلف عبادتی متداول بوده است. در بین هند و ایرانی‌ها هم قربانی کردن جایگاه ویژه‌ای داشت و گاه مهمترین شیوه پرستش بوده است. در نخستین متون و سرودهای به جا مانده از آنها به راحتی می‌توان نشانه‌هایی از این عمل را یافت اما در براهمنه‌ها این عمل مفهوم دیگری می‌یابد و از اهمیت و آداب بی‌سابقه‌ای برخوردار می‌شود که نمی‌توان جای دیگری مانند آن را سراغ گرفت. بیشتر قربانی به خدای خاص تقسیم می‌شد تا مطلوب به قربانی کننده را بر آورد اما در زمان براهمنه‌ها قربانی خود خدایی شد برتر از دیگر خدایان که خدایان و هستی از او به وجود آمده‌اند و قوام و دوام هستی منوط به اعمال و اجرای درست و دقیق آن است.

چنین باوری باعث شد تا خدایان در سایه عمل قربانی کم‌رنگ شوند و نقش پیشین خود را از دست بدهند. همچنین اعتقاد به یک علت اولیه هستی شکل گرفت مجرد یا انتزاعی بود و در ضمن هستی عبارت بود از اجزای وجود او که به وسیله آگنی به سویش باز می‌گشت. پس عملی با این اهمیت باید دقیق و بی‌کم و کاست اجرا می‌شد تا بتواند اثرگذار باشد و اجرای آن نیازمند نظارت و سرپرستی گروهی خیره بود و عالم به سروده‌ها- که اکنون زبان‌شان کهنش بود- افرادی که از معنی و مفهوم و تفسیر آن‌ها آگاه بودند. ساختار ضعیف براهمنه‌ها و عدم انسجام در اجزای آن هم مطلبی است که در بررسی آنها نباید در نظر دور داشت. این متون مانند هر متن اسطوره‌ای دیگری که با توجیهای فلسفی درآمیخته است، ساختاری سست و ناهمگون که دارد که مشخص کردن ایده و چارچوب حاکم بر آن را مشکل می‌کند همین باعث می‌شود که سخنانی که بر اساس آنها گفته می‌شود متفاوت و گاه متناقض باشد. خدایان در اوپانیشادها

اوپانیشادها آن دسته از متون شروتی هند هستند که احتمالاً بعد از آرنیکه‌ها شکل یافتند و محتویات اصلی آنها مباحثی از در مفهوم خدا و ارتباط بین خدا، جهان و انسان آرنیکه‌ها واسطه بین این متون و براهمنه‌ها هستند که تاکید آنها بر قربانی، شعائر مربوط به آن و همچنین تعداد خدایان است اما آرنیکه‌ها را اندیشه و رزانی به وجود آوردند که از تشریفات دست و پاگیر و پایان‌ناپذیر قربانی دلزده شده بودند و زیاده‌خواهی و برتری جوئی برهمنان فرصت طلب به تنگشان آورده بودند؛ کسانی که بیهودگی و ناکارآمدی عبادات صوری را دریافته بودند و نجات و رهایی را در خود و به وسیله خود می‌جستند آنها که فهمیده بودند خدایان و پدیده‌های طبیعی خود مقهور و مامور اراده برتری هستند.

² Asva-medha

¹ Purusa-medh

از بین تعالیم و آموزه‌های متعدد اوپانیشادها؛ همین عقیده که به موجب آن اتحاد و پیوستگی وثیقی بین افراد انسانی، جهان طبیعت و حقیقت مطلق وجود دارد، بیشترین توجه را برانگیخته است در این تفکر "خدا تنها مطلق و متعال نیست، که ورای همه چیز قرار دارد، بلکه روحی جهانی است که اساس شخصیت انسان و حتی نیروی دائماً حیات بخش اوست. خدا هر دوی این‌ها است؛ چیزی کاملاً دیگر، فرارونده، کاملاً واری جهان و انسان و همچنین نافذ در درون انسان و هستی حقیقی و باطنی او" (۸) و همانطور که چاندوگیه اوپانیشاد ۷، ۱۲، ۳ می‌گوید: او مانند فضا است و فضایی که درون انسان است، همان فضایی است که بیرون انسان است و همان فضایی که در بیرون است "یقیناً آن فضایی است که در قلب اوست" و فضایی که در درون انسان است در همه جهان و موجودات آن ساری و جاری است. (۱۵) آشکار است که در چنین تفکری دیگر انسان موجودی مقهور اراده‌ی خدایان نیست؛ که بی‌خواست و رضایت آنان نتواند به تمشیت امور خود پردازد؛ و برای رهایی از خشم آن‌ها و جلب محبتشان مجبور باشد اعمال و مناسک خاصی را به جای آورد. با چنین رویکردی انسن قداست و جایگاهی بسیار فراتر از پیش می‌یابد؛ که او را از انجام عبادات شعائر بی‌نیاز می‌کند و بین او، جهان و حقیقت مطلق ارتباط و پیوندی ناگسستگی برقرار می‌کند. این همسانی و اتحاد را به وحدت وجود (پانتئیسیم) نامیده‌اند که تعبیرهای مختلفی از آن شده است؛ از جمله این که حقیقت مطلق عبارت است از مجموع اجزا و عناصر هستی، و علاوه چیزی برتر از آن. به عبارت دیگر، "جمع شدن همه وجود و نیروهای طبیعی در یک هسته روحانی کلی که تنها جوهر واقعی است و زمانی که تجلی نیافته و غیر متخصص است برهما (آختنی) نامیده می‌شود، اما وقتی تجلی یافت خالق متخصص یا برهما نهی (مذکر) است. (۷) در بیانی دیگر از وحدت وجود هم تمام هستی را به پای واحد حقیقی فدا و فنا می‌کنند و آن را فریب و دروغ می‌پندارند که انسان را از دریافت حقیقت مانع می‌شود. وجه مشترک در همه تعابیر مختلفی از وحدت وجود، قائل شدن به یک وجود به عنوان هستی واقعی است که در اوپانیشادها عقیده‌ای مطرح و مقبول است. این متون ضمن پابندی به سامهیتاها که پلی تثبیم عقیده رایج و غالب در آنها است به تفسیر و تاویلی جدید از آن متون می‌پردازند. اما واقعیت این است که نمی‌توان سیری منطقی در این متون قائل شد، یعنی نمی‌توان به فرایند و سیری دست یافت که طی آن پلی تثبیم موجود در سامهیتاها به مونیزم زلف و آن‌گاه به پانتئیم منتهی شده باشد.

در همه متون ودائی ضمن پرداختن به خدایان متعدد و عدم نفی و انکار آن‌ها، به حقیقت و خدایی در ورای آن‌ها می‌پردازد؛ در

اوپانیشادها مهم‌ترین قسمت وادها، پایان آن‌ها (ودانته)^۱ و اوج تعالیم این متون است. در این متون که در واقع شرح فلسفی-عرفانی بر سامهیتا می‌باشد؛ به موضوع حقیقت مطلق و رابطه آن با جهان و انسان پرداخته شده است و در ضمن قائل شدن به مراتبی در عالم کبیر (جهان) و عالم صغیر (نسان)، رابطه و نسبت آنها را با وجود برتر و متعال بیان نموده است.

اوپانیشادها هم -مانند سامهیتاها و براهمنه‌ها- تعداد خدایان را ۳۳ خدا ذکر کرده است، اما تاویل و تفسیر جدیدی از آنها ارائه داده و در موارد بسیاری سعی بر آن است که به گونه‌ای آن‌ها تحت تاثیر یک حقیقت برتر محو و بی‌اثر شوند. از این هستی واقعی و فرارونده با نام‌های مختلفی یاد شده است؛ سوریا، ویشنو، وودر و برهمن از جمله نام‌هایی است که بر او نهاده شده است. هر کدام از این خدایان در موارد متفاوت در جایگاه برتر این حقیقت قرار گرفته‌اند؛ آگاه از آنها به صورت خدایانی غیر مشخص یا مشخص نام برده شده است و گاه همه آنها به عنوان خدایانی مشخص، جلوه‌ها و نمادهایی از خدایی غیر مشخص و وصف‌ناشدنی هستند، در موردی هم خدایی مشخص در فراز و برتر از برهمن غیر مشخص قرار گرفته است. اما مهم‌ترین خدا برهمن است که در متون پیشین هم از او نام برده شده بود و به عنوان "نیروی که خدایان را توانا می‌سازد که کارکرد اسطوره‌ای خود را به انجام رسانند و برهمنان را توانا می‌سازد که شعائر مقدس را به عهده گیرند" (۱۷) برداشت

های مختلف از مفهوم "مایا"؛ موجب دریافت‌های متفاوت از رابطه‌ی او و جهان شده است به گونه‌ای که برخی جهان را تجلی دانسته‌اند و عده‌ای جهان را در برابر او وهم، سراب و غیر واقعی پنداشته‌اند. بر اساس "تقریر ایجابی" -که رمانوجه آن را برگزیده است -موجودات جهان، وهم، خیال و غیر واقعی نیستند- اما بنابر "تقریر سلبی" که گوده پاده مدافع آن است- جز برهمن هیچ وجود حقیقی نیست و جز آن هرچه هست فریب است و حجابی بر چهره حقیقت.

همانگونه که مایا (توهم کیهانی) موجب درک نادرست رابطه برهمن و جهان می‌گردد، اویدیا (جهل فردی) هم باعث فهم غلط نسبت برهمن و نفس فردی می‌شود که در اوپانیشادها عنوان آن آتمن است رابطه‌ی آن با برهمن به صورت‌های مختلف ذکر شده است "حداقل در دو تا از قدیمی‌ترین اوپانیشادها، یعنی موندکه ۱، ۳، ۱، شوتا شواتر ۴، ۶ از ثنویت و تمایز بین روح فردی (آتمن) و روح کیهانی (برهمن) سخن رفته است" (۲) و در موارد زیادی - اگرچه نه با صراحت- به یکسانی آتمن برهمن اشاره شده است.

- 1 Veda-anta
- 2 Wolly other
- 3 Space&akasa
- 4 Brahma

Humanities oress, Atlantic Highland, The paper back printing-1994

9. Macdonwill, A, A. "Vedic religion", Encyclopedia of religion and ethics, edited by James Hastings, London, New York, reprinted 1994-2003

10. Zarvani, Mojtabi, "An introduction to the religious system of the Vedas", articles and reviews, scientific-research journal of the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, year 30, office 61, summer 2016

11. Dushan Gaiman, J. Religion of ancient Iran, translated by Roya Majam, Fekr Rooz, Tehran, 1375.

12. -Dowson, John. A classical dictionary of Hindu mythology & religion & geography & history and literature, Manupublications, Routledge, reprinted in 2000-2001

13. Evans, Veronika, Mythology of India, translated by Bajlan Farrokhi, Asatir Publishing House, Tehran, 1381

- Barth, A. The religions of India, Routledge, reprinted in 2000

14. zener R.C. Dawn and Sunset of Zoroastrianism, translated by Timur Qadri, Feker Rooz Publishing House, Tehran, 1375

15. Bahar, Mehrdad. Asian Religions, Cheshme Publishing House, Tehran 2015.

16. Singh Magendra kr. Encyclopedia of gods and goddesses, a continuing series, first edition, New Delhi 2000

سامهیتاها چنین حالتی منوئیزم یا کاتنوتئیزم نامیده شده است. در برآهمنه ها هم قربانی به عنوان یک سری دستورالعمل هایی که رعایت آنها ضروری است در فراز خدایان قرار می‌گیرد. در اوپانیشادها هرچند خدایان به عنوان نیروهای طبیعی تجلی و نمودهای برهمن هستند، اما از خدایانی هم نام برده شده است که بسیار با اهمیت هستند و حتی گاه در فراز برهمن غیر متشخص قرار دارند "به عبارت دیگر هندوئیزم در کتب مقدس خود هیچ تصویر روشنی از خدا ارائه نمی‌دهد." (۱۵)

نتیجه گیری

قراین فراوانی وجود دارد دال بر اینکه انسانها به نحو اجتناب ناپذیری دینی هستند. قوایل بدوی و ماقبل تاریخ سوانق دینی خود را در قالب اعمال حاکی از جاندار پنداشتن طبیعت و توتم پرستی نشان میدادند. از ابتدای تمدن بشری ادیان فراوانی پدید آمده اند و هر کدام به نحو بسیار پیچیده ای توسعه و تکامل یافته اند. در این تحقیق همانطور که نشان داده شد در افرادی که معتقد به متون هندوئیزم بودند بر اثر پیشرفت علم، توسعه فرهنگها، گسترش تفکر، آگاه شدن نوع بشر، تغییرات آب و هوایی و تشکیل تمدنهای جدید خدایان ادیان به مرور زمان در مصداق، تعداد و هم در مفهوم دچار تغییرات اساسی گردیده است. و به سمت وحدت وجود تغییر مسیر داده است.

References

1. Jalal Naini, Seyyed Mohammad Reza. India at a Glance, Shiraz Publications 1375.
2. Dasgupta, s.n. A history of Indian philosophy, Delhi Motial Banarsidass, 1975
3. Heestermam jan c. "Vedism and Brahmanism", The encyclopedia of religion, edited by Mircea Eliade, vol
4. Shaygan, Dariush, Religions and Philosophical Schools of India, two volumes, Amir Kabir Publishing House, Tehran 1375
5. Wilkins w.j. Hindu mythology, Rupa co, 1978.
6. Ganon, Rene. "Logic of al-Tayr", translated by Jalal Sattari, myth and code (collection of articles), Soroush, Tehran, 2018
7. Williams, Monier, M, A India wisdom or examples, Indian reprint publishing co Delhi 1974
8. Radha Krishna, s. the principla upainsads, Edited with introduction, text, translation, and notes by s Radha Krishnan.